عمادالدین نسیمی

غرقه در دریای عشقش حال ما داند که چیست
این سخن آسوده بر ساحل کجا داند که چیست
حال آن زلف پریشان بشنو از من مو به مو
آن پریشانی گرفتار بلا داند که چیست
(عشق خوبان در دلم گنجی است ز اندازه برون
گوهر آن گنج را، قیمت خدا داند که چیست)
ناتوان چشم بیارم وز لبش دارم شفا
آن چنان بیمار، قدر این شفا داند که چیست
تا ابد مابیم و روی ساقی و جام شراب
رمز عارف، صوفی صاحب صفا داند که چیست
در میان جان ما و زلف عنبرسای دوست
نیست اسراری که این باد صبا داند که چیست
روی ساقی در مقابل موسی ارنی از چه گفت
معنی این نکته را مست لقا داند که چیست
صوفی خلوت نشین از خلقه دارد نصیب
حاصل میخانه رند آشنا داند که چیست
آنچه در حسن تو هست ادراک صورت بین کجا
گرد بازارش تواند گشت یا داند که چیست
می‌کند قیمت به صد جان بوسه لعل لبت
هر که آن کالا شناسد، این بها داند که چیست

امکان بارداری ایمن پس از درمان سرطان خون با سلول های بنیادی

تحقیقات جدید نشان می‌دهد زنانی که تحت درمان با سلول‌های بنیادی برای سرطان خون یا بیماری‌هایی مانند سلول داسی قرار گرفته‌اند، می‌توانند با موفقیت بارداری را به پایان برسانند.

به گزارش نصر، به بسیاری از چنین بیمارانی معمولاً گفته می‌شود که تحت آنچه "پیوند سلول‌های خونساز آلوژنیک" (alloHCT) شناخته می‌شود، بارداری ایمن نیست

دکتر «کاتیا سوکل»، نویسنده این مطالعه و پزشک ارشد در بیمارستان دانشگاهی کارل گوستاو کاروس درسدن آلمان، می‌گوید: «نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که دریافت‌کنندگان زن alloHCT می‌توانند بارداری موفق و ایمن داشته باشند.»

همانطور که محققان توضیح دادند، alloHCT شامل گرفتن سلول‌های بنیادی از یک اهدا کننده سالم و پیوند آنها در بیمار مبتلا به بیماری‌هایی مانند سرطان خون یا بیماری سلول داسی شکل است.

اما این پیوندها با خطراتی همراه است، از جمله استفاده طولانی مدت از داروهای سرکوب کننده سیستم ایمنی و استفاده قبلی از پرتو درمانی یا شیمی درمانی با دوز بالا. همه اینها می‌تواند باروری زن را تهدید کند.

سوکل در یک نشریه خبری توضیح داد: «باروری یک موضوع بسیار مهم برای بیماران زن جوان است. حتی برخی از بیماران به دلیل نگرانی در مورد باروری، از دریافت برخی درمان‌ها منصرف می‌شوند. مخصوصاً برای بازماندگان جوان سرطان، بازگشت به زندگی عادی شامل تنظیم خانواده است.»

برای پی بردن به این موضوع، محققان داده‌های مربوط به پیوند سلول‌های بنیادی را بررسی کردند. آنها میزان بارداری و تولد و همچنین عوامل خطر متعدد را برای ۲۶۵۴ بیمار زن که بین ۱۸ تا ۴۰ سال تحت alloHCT قرار گرفته بودند، محاسبه کردند.

از این گروه، ۵۰ زن ۷۴ حاملگی را گزارش کردند که ۵۷ مورد آن منجر به تولد زنده شد، که میانگین زمان از پیوند سلول‌های بنیادی تا اولین بارداری ۴.۷ سال بود.

اگر زن در زمان پیوند سلول‌های بنیادی بین ۱۸ تا ۳۵ سال سن داشته باشد، احتمال بارداری بیشتر می‌شود و بارداری در سن متوسط کمتر از ۳۰ سال اتفاق می‌افتد.

تیم تحقیق خاطرنشان کرد که در اکثر موارد (۷۲٪)، این بارداری‌ها بدون استفاده از درمان‌های باروری رخ داده است.

محققان خاطرنشان کردند گاهی اوقات عوارض مرتبط با بارداری در میان زنانی که پیوند سلول‌های بنیادی دریافت کرده بودند وجود داشت، به ویژه مشکلات عروقی مانند پره اکلامپسی، ادم (تورم) و فشار خون بالا.

مهارت و آگاهی؛ ابزار پیمودن راه دشوار بالندگی فرزندان

هیچ راه آسانی برای بالندگی وجود ندارد؛ برای بهره بردن از هر شرایطی نیازمند مهارت و آگاهی هستیم. اینکه بتوانیم رفتارهای کارآمد در مواجهه با فرزندمان داشته باشیم، اصولی ساده دارد که خواهیم آموخت اما ساده بودن به معنای آسان بودن نیست بلکه نیاز به تلاش و ممارست دارد.

کودک و نوجوانآگاهی تنها جاده یک طرفه‌ای است که امکان دور زدن یا دنده عقب گرفتن و بازگشت به دوران ناآگاهی در آن وجود ندارد. انسان با آگاهی پیوندی دیرین دارد و هر فرد، خواه یا ناخواه به این حس، میل و کشش دارد؛ خاصه آنکه بخواهد فرزندی را به این دنیا بیاورد یا اکنون دارای فرزند یا فرزندانی باشد؛ چراکه در طلب آن است تا با افزایش آگاهی خود و انتقال آن به نسل بعد، آینده‌ای روشن‌تر و شکوفاتر بسازد. اما جاده آگاهی انتها ندارد؛ هرچه بیشتر بیاموزیم و آگاه‌تر شویم به ناآگاهی‌های خود بیشتر پی‌می‌بریم؛ از همین روی در فرهنگ تاریخی و دینی ما بر «ز گهواره تا گور دانش بجوی» تأکید فراوانی شده است. پرورش فرزند نیز نیازمند دانش است و هرچه آگاهی ما والدین در این حوزه افزایش یابد قطعاً روزگار کم چالش‌تر و فرزندان بالنده‌تری را خواهیم داشت.

قبل از انجام هر کاری لازم است هدفمان را از انجام آن کار شفاف کنیم. این شفافیت به ما کمک می‌کند تا از مسیر بالندگی خارج نشویم. گاهی مادر مضطربی را می‌بینیم که دغدغه‌مند تغذیه فرزند خود است و در برابر امتناع کودک از خوردن غذا، بر سرش فریاد می‌زند یا با رفتارهای مخرب دیگری که بعداً به آنها خواهیم پرداخت، کودک را مجبور به خوردن غذا می‌کند. اگر در زمان تغذیه کودک، بر هدفمان که سلامت کودک است متمرکز باشیم، به خود اجازه نخواهیم داد تا به رشد روحی و عاطفی او آسیب برسانیم و آنجاست که به کودک خود اعتماد می‌کنیم و به دنبال دلیل بی‌میلی کودک می‌گردیم.

زمانی که با کودک درگیر مسائلی از این قسم می‌شویم، در آن لحظه هدف ما حضور ندارد شاید افکاری نظایر این فکرها توجه ما را به خودش مشغول کرده است که «دیرم شده»، «بچه چاق را همه دوست دارند»، «دخترخاله‌اش چقدر خوب غذا می‌خورد و این هم شلنس من است»، «اگر الان به حرفم گوش ندهد فردا باید چه کار کنم؟»، «اگر الان از اصرار دست بکشم می‌گویند چه مادر بی‌توجهی است»، «با چه زحمتی صبح زود بیدار شدم و غذا درست کردم» و... افکاری نظایر اینها به ذهن همه ما خطور کرده است؛ وقتی ما از هدف اصلی دور می‌شویم قطعاً یک رفتار ناکارآمد انجام می‌دهیم.

اهمیت دریافت صحیح از وجود شیرین کودک

زمانی که ما در فهرستمان فرزندآوری را به گونه‌ای تعریف کنیم که «بچه زندگی را شیرین می‌کند» این هدف‌گذاری مشکل ندارد؛ اشکال زمانی ایجاد می‌شود که ما دریافت شفافی از «شیرینی» نداریم؛ برای شفاف شدن هدف باید به سؤالاتی از این قسم جواب دهیم که چگونه زندگی من شیرین خواهد شد در حالی که فرد سومی به ما اضافه می‌شود که زمان و مکان نمی‌شناسد و سراسر چالش است؟

قطعاً وجود فرزند لحظات خوشی برای ما می‌سازد اما باید بدانیم اگر ما آمادگی و مهارت لازم را نداشته باشیم بعد از مدتی که هیجانات مثبت کمرنگ‌تر شدند، آیا می‌توانیم از پس چالش‌ها بر بیاییم؟ اگر هنوز یاد نگرفته‌ام چالش‌های زندگی را بپذیرم یا حلشان کنم چگونه این فرزند زندگی من را شیرین خواهد کرد؟ چه مهارت‌هایی لازم است بیاموزم؟ چه کاری می‌توانم برای بهتر شدن شرایط انجام دهم؟

اگر رابطه من با همسر از سطح کیفی مناسبی برخوردار نیست، آیا این شرایط مرا به هدفم نزدیک می‌کند؟ اگر از شرایط تربیتی خودم و همسرم رضایت ندارم، آیا می‌دانم تربیت سازنده چیست؟ چطور از تربیت پدر و مادرم رضایت ندارم اما قرار است از همان روش‌ها یا برعکسشان را استفاده کنم؟ و... سؤالاتی از این قسم که مسیر و دشواری‌های آن را برای ما روشن می‌کند.

اگر الان فکر کنیم چقدر دشوار است و ذهنمان خسته خواهد شد، بدانیم اگر ما به موضوعات سازنده نپردازیم، ذهن ما خاموش نمی‌شود بلکه به موضوعاتی خواهد پرداخت که به ما کمکی نمی‌کند؛ همانطور که قلب اگر از تپش بیفتد می‌میرد، ذهن هم اگر فکر تولید نکند دچار زوال می‌شود پس چه بهتر است آن را سالم تغذیه کنیم.

راه دشوار بالندگی

باید بدانیم هیچ راه آسانی برای بالندگی وجود ندارد؛ برای بهره بردن از هر شرایطی نیازمند

مهارت و آگاهی هستیم. قبل آنکه بچه به‌دنیا بیاید در فکر تهیه وسایلی هستیم که شاید هیچ وقت به کارمان نیاید. چیزی که لازم است بدان توجه داشته باشیم این است که انتخاب خودمان است؛ می‌توانیم الان بگوییم سخت است و انجام ندهیم در عوض در آینده‌ای نه چندان دور در تعارضی با کودک و نوجوان قرار بگیریم که حل کردن آن، اگر قابل حل باشد بسیار هزینه و زمان خواهد برد و به مراتب دشوارتر از رفتارهایی است که کارآمد هستند. اینکه بتوانیم رفتارهای کارآمد داشته باشیم، اصولی ساده دارد که خواهیم آموخت اما ساده بودن به معنای آسان بودن نیست بلکه نیاز به تلاش و ممارست دارد. اگر ما اهل عمل نیستیم تقصیر را بر سر شرایط و تفاوت کودکان امروز نیندازیم. ما منکر تفاوت‌ها نیستیم اما ارزش‌ها و نیازها، ثابت و جهان شمول هستند و جزء به جزء به تمام آنها خواهیم پرداخت.

اهمیت یادگیری آموزه‌های مؤثر در بالندگی

در این مسیر هدف ما بر این است که به چیزهایی فکر کنیم که قبلاً به آنها فکر نکرده‌ایم و پاسخی صحیح به آنها بدهیم. اگر این مهارت را بیاموزیم به چیزهایی می‌پردازیم که در بالندگی ما اثر دارند، کمتر درگیر نوش‌خوارهای ذهنی می‌شویم که دائماً از آنها شکایت داریم.

اگر در لیست اهداف من آمده است که «در پیری عصای دست من بشود» از خود می‌پرسم فرزندی که با عشق، عصای پیری پدر و مادرش هست چه ویژگی‌هایی دارد؟ این ویژگی‌ها را چگونه باید کسب کند؟ چه کسی باید این ویژگی‌ها را به او انتقال دهد؟ اگر وظیفه من والد است، آیا این ویژگی‌ها در من نمود دارد؟ اگر من انسانی هستم که نوع‌دوستی و انصاف ندارم داشتن چنین هدفی دور از دسترس است.

ویژگی‌های کودک بالنده و شاد

ما نمی‌توانیم از کودک انتظار رفتاری را داشته باشیم که خودمان انجام نمی‌دهیم. چیزی که بهتر است به آن توجه کنیم هدف ما از کودک بالنده و شاد، کودکی نیست که الزاماً موسیقی می‌داند، ادیبی است، سرآمد است و... کودک ما ممکن است توانمند باشد اما نتواند از موسیقی لذت ببرد؛ بنابراین کودک بالنده و شاد کودکی است که می‌تواند به صورت سالم در اکثر شرایط لذت ببرد. کودک این توانمندی را دارد تا شرایط دشوار را تاب بیاورد و از تاب‌آوری‌اش لذت ببرد. اگر به کودک لذت بردن طبیعی را بیاموزیم، کودکمان دچار ملال نمی‌شود و در نوجوانی و جوانی به دنبال تفریحات آسیب‌زا نمی‌رود. یاد می‌گیریم مشاهده‌گر خوبی باشیم همانطور که باغبان هر روز گل‌هایش را بررسی می‌کند. هیچگاه باغبان بر این باور نیست که اگر حال گل خوب است، دیگر نیاز به مراقبت ندارد؛ گل خوردش به باغبان می‌گوید که آیا شرایطش مناسب است یا نیست. اگر گلی گل‌دهی نداشته باشد یا سرحال نباشد، باغبان توجه‌اش را معطوف به عملکرد خود و شرایط می‌کند و منتظر نمی‌ماند تا به خودی خود مشکل حل شود.

باغبانی، بهترین تمثیل نقش همسری و والدینی

گل بهترین تمثیل برای نقش همسری و والدینی است؛ اگر رابطه ما خوب جلو نمی‌رود یا فرزندمان سرزنده نیست (بعداً به ویژگی‌های انسان و زندگی سرزنده خواهیم پرداخت) مسئولیت رفتارمان را به عهده بگیریم و قبل از آنکه گلمان کاملاً پژمرده شود به آن توجه کنیم چراکه اگر گلی خشک شود، بهترین آبیاری‌ها و تقویت کننده‌ها دیگر کمکی به آن نخواهد کرد.

چیزی که امروز ما به عنوان والد درگیر آن هستیم و ما را به ناکجاآباد می‌برد، درگیر امکانات شدن است. اگر گلی که نیاز به نور دارد را در محیطی قرار دهیم که نور لازم را نداشته باشد، قطعاً اگر بهترین کودها را هم بدهیم، رشد نخواهد کرد و از بین خواهد رفت.

اهمیت آموزش ارزش‌ها به فرزندان

آنچه وظیفه ماست که به عنوان والد به کودکان آموزش دهیم، آموزش ارزش‌هاست. اگر ما به کودکمان عزت‌نفس، اعتماد به نفس، تاب‌آوری، انسانیت و... بیاموزیم و در کنارش توانمندی‌های درونی، امکانات مکفی در اختیارش قرار دهیم، کودک ما با توجه به قابلیت‌های درونی و امکانات بیرونی، فرصت و امکانات جدید به دست خواهد آورد. قابلیت‌های درونی همان نوری است که لازمه رشد است و امکانات همان کود و تقویت کننده‌ای است که به رشد کمک می‌کند. تقویت کننده‌ها به شرط آنکه مقدار کافی و متناسب با گیاه داشته باشند، به رشد کمک می‌کند.

۱۸درصد کودکان اضافه وزن دارند

فلوشیپ جراحی چاقی با بیان اینکه ۲۵ درصد مردم کشور دچار چاقی و اضافه وزن هستند، گفت: جراحی چاقی زیبایی نیست بلکه درمان دیابت، فشارخون بالا و رفلاکس معده در مبتلایان به افراد چاق است شهریار عزیزی در نشست چالش و باید و نبایدهای جراحی چاقی افزود: تغذیه مردم به سمت مصرف غذاهای آماده در جامعه و بی تحرکی افزایش یافته است در حالیکه چاقی آسیب زیادی به سیستم ایمنی بدن وارد می کند و پیشگیری مهمترین اصل بوده و باید با سیاستهای موجود وزارت بهداشت جلوی چاقی را گرفت.

وی با بیان اینکه دیابت، فشار خون، نازایی، رفلاکس معده بعد از جراحی چاقی قابل درمان است، اظهارداشت: ۸۰ درصد فشارخون بالا و ۷۰ درصد نازایی در مبتلایان به چاقی بعد از انجام جراحی قابل درمان بوده و در واقع با عمل جراحی ۸۰ درصد اضافه وزن کاهش می یابد.

این پزشک با تاکید بر اینکه افراد بعد از جراحی چاقی باید سبک زندگی سالمی را داشته باشند، ادامه داد: جراحی در کودکان چاق نیز باید انجام شود زیرا در بزرگسالی دچار مشکلات و بیماریهای جبران ناپذیری می شوند، بطور مثال کودکانی به ما مراجعه می کنند که دارای وزن بالای ۱۵۰ کیلو هستند.

عزیزی، آمبولی قلب را در افراد چاقی که جراحی می کنند، یک درصد بیان کرد و گفت: جراحی چاقی زیبایی نیست و در واقع درمان است و در عین حال پیکر تراشی برای فرم دهی بدن بوده و روش کنترل چاقی نیست، افراد در این زمینه نباید به تبلیغات فضای مجازی اعتماد کنند زیرا فریبنده و تبعات زیادی دارد مستانه تلیش متخصص تغذیه نیز در این نشست گفت: بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت حدود ۳۲۰ کودک در دنیا دچار اضافه وزن و ۱۶۰ میلیون کودک نیز چاق هستند و بیماری کرونا به شدت روی افزایش چاقی اثر گذاشته است.

وی ادامه داد: در ایران نیز حدود ۱۸ درصد کودکان دارای اضافه وزن و ۱۰ درصد چاق هستند و بطور کلی ۵۶ درصد جمعیت کشور دچار درجاتی از چاقی هستند، دسترسی زیاد به تلفن همراه، مصرف غذاهای آماده و کم تحرکی در دوران همه گیری کرونا باعث افزایش چاقی در جامعه به خصوص کودکان شده است و حجم مصرف فست فودها را افزایش داده است. افراد برای پیشگیری از بیماریها ضرورت دارد سبک تغذیه سالم را در پیش بگیرند و افرادی که اقدام به جراحی چاقی می کنند نیز ضرورت دارد بر اساس الگوی غذای سالم، نیازهای ضروری بدن تامین شود تا علاوه بر وزن مناسب، دچار سوء تغذیه نشوند.

مجتبی کریمی رولپزشک نیز در مورد اختلالات مرتبط با روان و غذا گفت: غذا را برای تامین انرژی و نیازهای بدن استفاده می کنیم افرادی که مشکلات تروما و هیجانی زیاد دارند میل به غذا زیاد داشته و تعادل را رعایت نمی کنند و این پرخوری باعث چاقی و اضافه وزن می شود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۴۰۰۵۰۰۳۰۶۱ - ۱۴۰۳/۰۴/ ۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مرند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید کریم غیبی فرزند میرحیدر بشماره شناسنامه ۱۰۹۷۶ صادره از مرند در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۱۸۰ متر مربع به پلاک ۲۵۷۰ فرعی از یک اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک یک اصلی واقع در کندلج بخش ۱۵ تبریز خریداری از مالکین مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۵/ ۲۲

محرم کنعانی - رئیس ثبت اسناد و املاک مرند

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۴۰۰۵۰۰۳۱۱۱ - ۱۴۰۳/۰۴/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مرند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای یونس اعتمادی فرزند یعقوب بشماره شناسنامه ۹۵۱ صادره از مرند در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۹۴۵/۸ متر مربع به پلاک ۵۵۵ فرعی از ۵۰ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۹۲ فرعی از ۵۰ اصلی واقع در گورگجه سلطان بخش ۱۵ تبریز خریداری از مالک رسمی آقای رسول اکبری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۵/ ۲۲

محرم کنعانی - رئیس ثبت اسناد و املاک مرند

معرفی انیمیشن

South Park (Now–۱۹۹۷)

South Park یک نقطه عطف واقعی در انیمیشن آمریکایی است، تا کنون ۳۰ فصل از آن پخش شده و بار فرهنگی زیادی را به دوش می‌کشد. این سریال در لیست بهترین سریال های انیمیشنی بزرگسالان، به بررسی کارهای چهار پسری می‌پردازد که در شهر کوچک ساوث پارک، کلرادو زندگی می‌کنند و به نظر می‌رسد که همیشه خود را در مرکز اکشن می‌بینند. جنجال‌های سریال افسانه‌ای هستند و نمی‌توان آنها را فهرست کرد و توانایی آن در تبدیل افراد مشهور جدی به جوک، یکی از مواردی است که تعداد کمی از برنامه‌های دیگر می‌توانند با آن برابری کنند. پنج برد این سریال برای برنامه انیمیشن برجسته در لمی دومین برد در تاریخ است.

پارکر و استون South Park را از دو فیلم کوتاه انیمیشنی با عنوان روح کریسمس توسعه دادند. دومین فیلم کوتاه به یکی از اولین ویدیوهای ویروسی اینترنتی تبدیل شد که منجر به تولید South Park شد. قسمت آزمایشی با استفاده از انیمیشن به سبک برش تولید شد. قسمت‌های بعدی از آن زمان از انیمیشن رایانه‌ای استفاده کرد که تکنیک برش را به خاطر می‌آورد. South Park دارای گروه بازیگران بزرگی از شخصیت‌های تکرارشونده است.

South Park مورد تحسین منتقدان قرار گرفته است و در فهرست نشریات مختلف از بهترین برنامه‌های تلویزیونی گنجانده شده است. جوایز متعددی از جمله پنج جایزه Primetime Emmy و یک جایزه Peabody دریافت کرده است. یک فیلم تئاتری با نام South Park: Greater, Longer & Uncut در ژوئن ۱۹۹۹ اکران شد و با موفقیت تجاری و انتقادی همراه شد و نامزد جایزه اسکار شد. در سال ۲۰۱۳، TV Guide ساوث پارک را دهمین کارتون تلویزیونی برتر تمام دوران قرار داد.

معرفی کتاب

لاک پشت و من

داستان «لاک پشت و من» را ماریت تورنکویست (Marit Tornqvist) نوشته و تصویرگری کرده است. این نویسنده و تصویرگر، مهارت ویژه‌ای در به تصویر درآوردن استعاره‌ها در تصویر و داستان دارد. «لاک پشت و من» داستانی استعاری، زیبا و پر از رمزوراز و شگفتی است؛ داستانی درباره‌ی وطن، مهاجرت، عشق، هویت و مسئولیت؛ داستانی درباره‌ی دوستی عجیب پسری با یک لاک‌پشت!

پدربزرگ شب تولد پنج‌سالگی نوه‌اش، داستانی درباره‌ی دوستی‌اش با یک لاک‌پشت می‌گوید. ما، در مقام بیننده و خواننده، همراه پدربزرگ و نوه، که روی پایش نشسته است، به سال‌ها قبل می‌رویم؛ زمانی‌که پدربزرگ پسری پنج‌ساله است و در روز تولد پنج‌سالگی‌اش، پدربزرگش از چمدانش لاک‌پشتی کوچک بیرون می‌آورد و به او هدیه می‌دهد!

پدربزرگ او مهاجری است که از زادگاهش به کشوری دیگر آمده و این لاک‌پشت، در سفری به زادگاهش، بی‌خبر از او، در ساحل، به درون چمدان خزیده است؛ لاک‌پشتی کوچک که همه دوستش دارند: «لاک‌پشت آن‌قدر کوچک بود که در جیب‌ام جا می‌شد. و در قطار اسباب‌بازی‌ام. و توی تخت عروسک‌ام، تا اینکه روزی مردی که در تصویر، سایه‌ی بزرگ بی‌سرش روی لاک‌پشت افتاده، با صدایی که آهنگی شوم دارد، پسر را می‌ترساند و به او می‌گوید که این لاک‌پشت صد سال عمر می‌کند و بزرگ و بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. این سخن پدر و مادر پسربچه را می‌ترساند. آنها از خود می‌پرسند: لاک‌پشت، با هیکل بزرگ، چطور از پله‌ها بالا برود یا از در رد شود؟ چه‌کسی پس از مرگشان قرار است مراقب لاک‌پشت باشد و به او غذا بدهد؟

«اما من شاد و شنگول بودم. به دل‌ام افتاده بود که از حالا تا همیشه لاک‌پشت کنارم می‌ماند! برای همه‌ی عمر.» حضور پسر با لاک‌پشت در مدرسه برای همه‌ی بچه‌ها رخدادی تازه و جالب است. در تصویر می‌بینیم که پسر لاک‌پشت را به تیر دروازه بسته و فوتبال بازی می‌کند. لاک‌پشت با بندی دور گردنش همیشه همراه پسر است؛ این دو همه‌جا با هم هستند، انگار قرار است همه‌ی عمر با هم باشند: «هرجا من بودم لاک‌پشت هم بود. هرجا لاک‌پشت بود من هم بودم.» اما وقتی سال‌ها می‌گذرد و پسر بزرگ می‌شود و لاک‌پشت بزرگ‌تر، در مدرسه دور هر

دو خط می‌کشند. داستان می‌گوید که لنگار هر دو را در قفسی می‌گذارند و از این دو، پسر و لاک‌پشت، می‌خواهند که به باغ وحش بروند: «آن‌ها قفسی روی زمین کشیدند و ما مثل دو زندانی توی آن نشستیم.»

لاک‌پشت، که نشان و استعاره‌ای از زادگاه و وطن است، کم‌کم به استعاره‌ای برای هویت مهاجر در کشوری دیگر بدل می‌شود و وقتی مهاجر بزرگ می‌شود، وقتی تفاوت پسر با دیگران بزرگ‌تر و نشان‌دارتر می‌شود، کسی دیگر او را نمی‌خواهد. او چیزی دارد که شخص دیگری آن را ندارد و اگر می‌خواهد این تفاوت را نگه دارد و کنار نگذارد، باید به‌تنهایی مسئولیت آن را بپذیرد. پدر و مادر به پسر می‌گویند لاک‌پشت خیلی کاهو می‌خورد و از پسر می‌خواهند، حالا که به مردی جوان تبدیل شده، با لاک‌پشت از خانه برود.

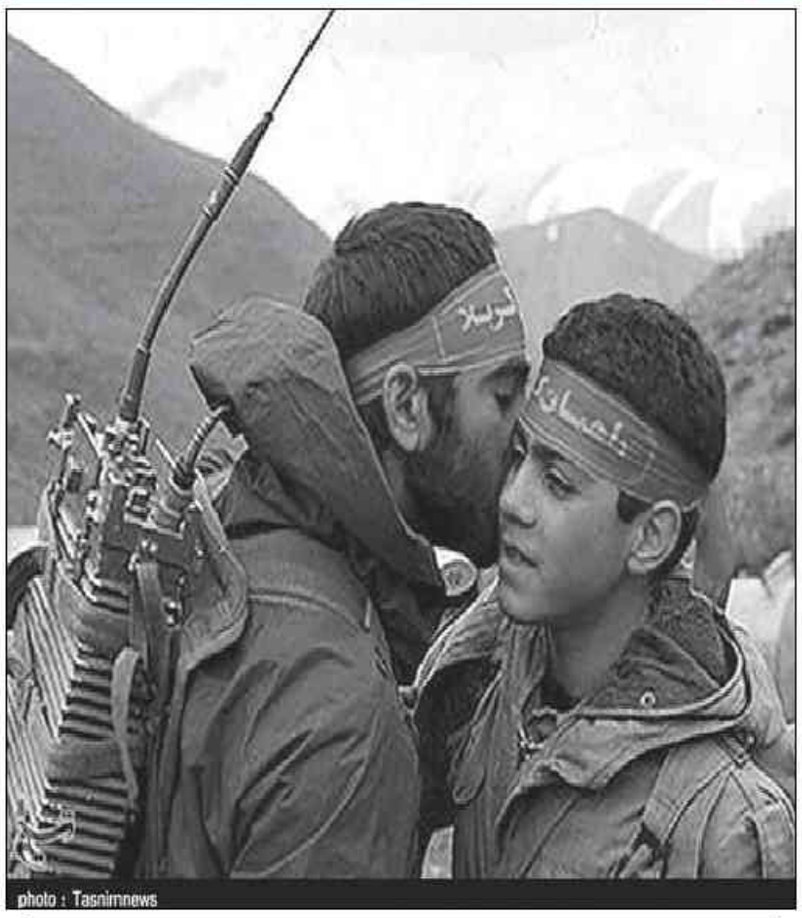

photo : Tasnimnews

مفقودی

برگ سبز وانت زامیاد مدل ۱۳۹۶ به رنگ آبی به شماره شاسی:NAZPL ۱۴۰ BH ۰۴۷۴۸۶۱ به شماره موتور:Z ۲۴۷۳۸۵۴۱ Z به شماره پلاک:۲۵ ایران -۱۸۶ص ۶۴ بنام محمد رضا صادقی شقاقی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. سراب